

# بررسی ادبی و تاریخی داستان‌های برگزیده درباره خرمشهر

زرین تاج واردی<sup>۱</sup>

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

سمیه شیخی\*<sup>۲</sup>

کارشناسی ارشد ادبیات پایداری، دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۷)

## چکیده

وقوع جنگ تحمیلی مهم‌ترین حادثه چند دهه اخیر کشورمان و اشغال و فتح خرمشهر از نقاط اوج این حادثه است. از آنجاکه سخن و ادبیات مانند دیگر امور تحت تأثیر حوادث بیرونی است، در این پژوهش سعی شده است تا با روش تحلیلی به بررسی ادبی، عناصر داستانی و سندشناسی تاریخی<sup>۳</sup> نه داستان و یک مجموعه داستان (شامل سه داستان کوتاه) که در سال‌های مختلف درباره خرمشهر نوشته شده‌اند بپردازیم. نتایج نشان داد که این داستان‌ها از نظر عناصر داستانی رو به پیشرفت داشته و از نظر ادبی دارای تنوع کمتری شده‌اند. داستان‌ها از نظر ویژگی‌های فکری نیز در این سال‌ها، تفاوت چندانی در موضوعات با هم نداشته‌اند. در بخش زیادی از این داستان‌ها انطباق حوادث با واقعیت‌های تاریخ جنگ مشهود است. همچنین نویسندگان در سال‌های اخیر تمایل کمتری به استفاده از سندیت تاریخی اشخاص و مکان‌ها در داستان‌ها نشان داده‌اند.

**کلمات کلیدی:** خرمشهر، عناصر داستان، سبک‌شناسی، سندشناسی تاریخی.

---

\* نویسنده مسئول: somaye.sheikhi@gmail.com

## ۱. مقدمه

آدمی همواره برای بیان مکنونات قلبی خویش از انواع هنرها و ابزارها بهره می‌برد و ادبیات یکی از این هنرآزهارهاست. «در میان انواع ادبی، صاحب‌نظران داستان را بهترین وسیله برای ثبت رویدادها با تمامی ریزه‌کاری‌هایش می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که تاریخ تنها به شرح رویدادهای مهم و بررسی آن مبادرت می‌ورزد؛ در صورتی که در داستان، جزئی‌ترین رویدادها و حوادث مطرح و گاه درشت‌نمایی می‌شود؛ رویدادهایی که تاریخ حاضر به ثبت و حفظ آن‌ها نیست» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

«انقلاب عظیم اسلامی ایران، از بزرگ‌ترین حوادث قرن و در شمار بزرگ‌ترین حوادث دینی سیاسی عالم اسلام است. این انقلاب حدود بیست ماه بعد از پیروزی، درگیر جنگی شد که از لحاظ زمان و چندوچون کم‌نظیر بود» (امیری خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۰).

در واقع جنگ تحمیلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از بزرگ‌ترین رویدادها و پدیده‌های تاریخی کشورمان در طول چهار دهه گذشته بوده است که تمام زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، عقیدتی، سیاسی و فرهنگی کشور ما را تحت تأثیر خود قرار داد و تأثیری کلی و بنیادین بر ادبیات ما گذاشت (نک: بارونیان، ۱۳۸۷: ۲۹). این تأثیر در قالب‌های گوناگون ادبی، با مضمون‌ها و درون‌مایه‌های جنگی، موجب خلق ادبیاتی ارزشمند تحت عنوان ادبیات مقاومت و پایداری گردید.

### ۱-۱. بیان مسئله

در بسیاری از جنگ‌های میهنی جهان، همواره شهرهایی بوده‌اند که به دلیل مقاومت مردمی در مقابل متجاوزان، به سمبل مقاومت ملی تبدیل شده‌اند. وقتی مردم شهری تصمیم می‌گیرند در مقابل هجوم دشمن از زندگی شان دفاع کنند، یک موقعیت بی‌نظیر تاریخی شکل می‌گیرد و این شهرها به نماد تبدیل می‌شوند. لئون تولستوی مضمون مقاومت مردم مسکو در برابر ارتش ناپلئون را در کتاب جنگ و صلح دست‌مایه قرار می‌دهد. سیمونف در کتاب استالینگراد همچنان که می‌جنگد از مقاومت اهالی شهر استالینگراد می‌گوید (نک: جزینی، ۱۳۹۱). خرمشهر هم به خاطر مقاومت بی‌نظیرش، برای ما نماد دو حماسه است: حماسه مقاومت خرمشهر و حماسه آزادی خرمشهر. «مقاومت سرسختانه ایرانی‌ها و طولانی شدن جنگ برای اشغال خرمشهر، این شهر را به یک نماد مهم در جنگ ایران و عراق بدل کرد و بخشی از هویت جنگی ایرانی‌ها شد» (شیرعلی‌نیا، ۱۳۹۲: ۷۴). از این رو، این مقاله بر آن است تا با پژوهش در سیزده داستانی که با موضوع اشغال و فتح خرمشهر نوشته شده‌اند (اعم از رمان، داستان کوتاه و مجموعه داستان) پس از بررسی عناصر داستانی، خصوصیات سبکی و زبانی این داستان‌ها، به سندشناسی تاریخی شخصیت‌ها، مکان‌ها و اتفاقاتی که در این داستان‌ها ذکر شده‌است، پردازد.

### ۱-۲. پیشینه تحقیق

درباره موضوع پژوهش تحقیقاتی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه انجام گرفته‌است. رهگذر (۱۳۷۰) در کتاب نیم‌نگاهی به هشت سال قصه جنگ، علاوه بر سه مقاله کوتاه تحلیلی درباره ادبیات مقاومت، به نقد و بررسی داستان‌های دوازده نویسنده داستان و رمان جنگ، در گروه سنی بزرگسالان پرداخته است و در رابطه با تقسیم‌بندی داستان‌های جنگ، تقسیم‌بندی‌های متعدد و متفاوتی ارائه داده است: آثار جنگ در جهت تأیید و نفی مقاومت مردم، تقسیم‌بندی براساس

زاویه دید، و تقسیم‌بندی براساس موضوع آزادگان، شهدا و مانند آن.

اکبری شلدره‌ای (۱۳۸۲) در *درآمدی بر ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی*، با نگاهی به روند سیر ادبیات داستانی در ایران، آثار موجود را بررسی کرده است. محور بحث این کتاب، داستان‌نویسی پس از انقلاب و بررسی تأثیر تحولات ناشی از این جریان مهم بر اندیشه و محتوای کار نویسندگان است.

فیاض منش (۱۳۷۹) در رساله کارشناسی ارشد خود، شخصیت و شخصیت‌پردازی در هشت رمان جنگ، که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده، نشان می‌دهد که شیوه‌های شخصیت‌پردازی در آثار نویسندگان مورد مطالعه مانند داستان‌نویسان پیشین بوده و آن‌ها هم از دو روش شخصیت‌پردازی مستقیم و غیرمستقیم در قالب قیافه، گفتار، رفتار و نام استفاده نموده‌اند.

امیری خراسانی (۱۳۸۹) در *مؤلفه‌های پایداری در سیمای شخصیت‌های رمان دفاع مقدس*، مایه‌های ایستادگی و پیروزی رزمندگان در برابر دشمن مهاجم را در رمان‌های دفاع مقدس ریشه‌یابی و تقسیم‌بندی کرده است.

گرچی (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان‌های دفاع مقدس» با توجه به عنصر نام‌شناسی، شیوه شخصیت‌پردازی از جهت نام، در چهار رمان از رمان‌های دفاع مقدس شامل *زمانی برای بزرگ‌شدن* نوشته محسن مؤمنی، *سفر به گرای ۲۷۰* درجه نوشته احمد دهقان، *بیوتن* نوشته رضا امیرخانی و *شطرنج با ماشین قیامت* نوشته حبیب احمدزاده را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله سعی شده به صورت جزئی، نام تک‌تک افرادی که در رمان‌ها آمده بررسی و تحلیل شود.

باینکه این تحقیقات در جای خود بسیار ارزشمند هستند، اما تمام ابعاد این تحقیق را شامل نمی‌شوند و به‌ناچار به‌عنوان پیشینه این پژوهش استفاده شده‌اند. به همین جهت، این مقاله درصدد است برای اولین بار با بررسی موضوعی داستان‌هایی که درباره اشغال و فتح خرمشهر نوشته شده‌اند، عناصر داستانی و مشخصات سبکی و زبانی این داستان‌ها را مورد تحلیل قرار دهد. همچنین سعی دارد به سندشناسی تاریخی اتفاقات، اشخاص و مکان‌هایی بپردازد که در این متون به آن اشاره شده است؛ امری که تاکنون صورت نگرفته است.

### ۳-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

«بدون شک، زمانی قسمتی‌هایی از تاریخ ماندگار شده‌اند که ادبیات به کمک آن‌ها آمده است. ادبیات بهترین قالب برای ثبت وقایع تاریخی، سیاسی و اجتماعی است، اما باید مبتنی بر واقعیت باشد؛ چون بعدها براساس همین داستان‌ها و رمان‌ها درباره خصوصیات مردم آن دوره قضاوت می‌کنند.» (خرامان، ۱۳۹۰: ۳۰۶).

همچنین «باید توجه داشت که کلیه آثار داستانی دفاع مقدس در آینده‌ای نه‌چندان دور به رمان تاریخی مبدل می‌گردند. خواننده رمان‌های تاریخی هم همیشه نسبت به عنصر حقیقت‌مانندی در داستان حساس بوده و بیشتر دوست دارد تا جنبه‌های رئالیستی اثر حفظ گردد و از نویسنده رمان تاریخی متوقع است تا امانت را حفظ کند و براساس یک سلسله اطلاعات تخیلی به توصیف رویدادهای کاملاً تاریخی نپردازد.» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۴۹ تا ۵۰).

بنابراین به نظر می‌رسد بررسی تحلیلی و علمی داستان‌های جنگ و سندشناسی تاریخی وقایع و افراد، یکی از مناسب‌ترین راه‌ها برای انتقال رخداد‌های این حادثه بزرگ به آیندگان است.

جامعه نمونه طرح، آثار زیر است که براساس اولین سال چاپ مرتب شده‌اند:

جدول ۱-۱. جامعه نمونه طرح

نام داستان	نویسنده	اولین سال چاپ
آخرین نگاه از پل خرمشهر (رمان)	ناصر مؤذن	۱۳۶۰
نخل‌های بی‌سر (رمان)	قاسم‌علی فراست	۱۳۶۳
در جستجوی من (رمان)	منیژه جانقلی	۱۳۷۸
ضیافت به صرف گلوله (رمان)	مجید قیصری	۱۳۸۰
نخل‌ها و آدم‌ها (رمان)	نعمت‌الله سلیمانی	۱۳۸۲
عطر عربی فردوس (از مجموعه داستان سه دختر گل‌فروش)	مجید قیصری	۱۳۸۴
جنگی که بود (رمان)	کاوه بهمن	۱۳۸۵
دختران خرمشهر (مجموعه داستان)	اختر دهقانی	۱۳۸۷
زنی بر بام (از داستان‌های برگزیده جایزه ادبی یوسف)	مریم محمدی	۱۳۹۰
بچه‌های کارون (رمان)	احمد دهقان	۱۳۹۲

از عوامل دخیل در انتخاب آثار، علاوه بر دسترسی در بازار و کتابخانه‌ها می‌توان به شهرت نویسنده و اقبال جامعه به اثر، توجه منتقدان و کسب جوایز ادبی در جشنواره‌ها اشاره کرد.

## ۲. بحث

این قسمت شامل دو بخش اصلی است که در بخش اول پس از معرفی نویسندگان و خلاصه‌ای از داستان‌ها، عناصر داستانی و سبک‌شناسی که شامل ویژگی‌های ادبی و فکری است، بررسی شده است. بعد از بررسی سبک‌شناسی، به بررسی تطابق هر داستان با واقعیت‌های تاریخی پرداخته، سپس نقدی اجمالی بر هر داستان داشته‌ایم که نتایج آن در زیر خواهد آمد. در قسمت دوم به سندشناسی تاریخی پرداخته شده است.

### ۲-۱. بررسی عناصر داستانی، سبک‌شناسی و تطابق تاریخی

در بررسی ادبی و تاریخی در مجموعه‌های مورد بحث، نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

نتایج بررسی پیرنگ از سیزده داستان خرمشهر نشان داد که پیرنگ در اکثر داستان‌ها ضعیف بوده و داستان‌ها بیشتر درباره یک حادثه (ی بزرگ مانند جنگ) و یا حول یک شخصیت تعریف می‌شوند. این ایراد در همه داستان‌ها چه کوتاه و چه بلند قابل مشاهده بود؛ به جز دو داستان کوتاه (عطر عربی فردوس و زنی بر بام) که دارای پیرنگ نسبتاً قابل قبولی بودند.

همچنین نتایج نشان داد که عنصر پیرنگ در دهه‌های مختلف فرازونشیب‌چندانی نداشته و از پیرنگ ضعیف در دهه‌های اول، کمی به پیرنگ متوسط در سال‌های اخیر متمایل شده است (زنی بر بام و بچه‌های کارون) که البته پیشرفت شگرفی نیست؛ ولی با وجود این، نشان از توجه نویسندگان این حوزه به این عنصر مهم می‌باشد.

بررسی‌ها نشان داد که به جز دو داستان که اصل داستان‌چندان باورپذیر نبوده (ضیافت به صرف گلوله و داستان «عاشقانه‌ای کنار کارون» از مجموعه داستان دختران خرمشهر)، بقیه داستان‌ها از نظر حقیقت‌مانندی مشکلی ندارند؛ هر چند که در بعضی

داستان‌ها حوادث فرعی غیرقابل‌باوری همچون نجات ناگهانی بعضی شخصیت‌ها از مرگ یا اسارت آمده است (مانند داستان در جستجوی من و داستان «عشق و خون در خرمشهر» از مجموعه داستان دختران خرمشهر). دادن وجهه پلیسی به بعضی از داستان‌ها (ضیافت به صرف گلوله) باعث شده که این داستان‌ها از نظر باورپذیری و راست‌نمایی دارای مشکل باشند.

هشت داستان از سیزده داستان مورد بررسی دارای زاویه دید دانای کل بودند. این عدم تنوع زاویه دید، خصوصاً در دهه‌های اول بیشتر قابل مشاهده است؛ یعنی هرچه به سال‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم، استفاده از زوایای دید متنوع (هرچند ناموفق)، بیشتر شده است و نویسندگان از زاویه دید دانای کل (آخرین نگاه از پل خرمشهر و نخل‌های بی‌سر) به زاویه دید من‌روایتی (دختران خرمشهر و بچه‌های کارون) برای ایجاد هم‌ذات‌پنداری بیشتر، تمایل نشان داده‌اند.

نتایج بررسی‌ها نشان داد که در اغلب داستان‌ها شخصیت‌پردازی‌ها ضعیف، به صورت مستقیم و دادن اطلاعات از زبان کسی برای شخص دیگری است که خود شخص، آن اطلاعات را می‌داند. البته هرچه به سال‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم، نویسندگان سعی در پرداخت غیرمستقیم شخصیت‌ها و دادن اطلاعات به خواننده به صورت غیرمستقیم داشته‌اند (زنی بر بام و بچه‌های کارون).

بیشتر داستان‌ها در خرمشهر و در محدود مواردی در تهران اتفاق می‌افتند (به دلیل مهاجرت مردم جنگ‌زده به تهران؛ مانند داستان ضیافت به صرف گلوله و قسمت‌هایی از داستان‌های نخل‌های بی‌سر و در جستجوی من). نتایج نشان می‌دهد نویسنده‌ها توانسته‌اند در ترسیم فضای شهری در حال اشغال تقریباً موفق باشند. به این عنصر در تمام این سال‌ها به صورت تقریباً یکنواختی توجه شده است.

نتایج حاصل از پژوهش در این داستان‌ها، بیانگر این است که فضای حاکم بر بیشتر داستان‌ها به دلیل وقوع جنگ و ازدست‌دادن شهر و عزیزان، غمگین و حسرت‌زده است. البته تنوع فضا در سال‌های اخیر نیز قابل مشاهده است؛ مانند فضای رماتیکی (مجموعه داستان دختران خرمشهر)، پلیسی (ضیافت به صرف گلوله) و صمیمی (بچه‌های کارون)؛ اما غلبه با فضا سازی‌های غمگین است.

در بررسی عنصر گفت و گو لزومی به داشتن لهجه در دیالوگ‌های شخصیت‌ها نیست؛ اما وارد کردن لهجه خاص این مناطق در داستان‌ها، به فضا سازی و باورپذیری کمک شایانی می‌کند؛ مسئله‌ای که در دو داستان نخل‌های بی‌سر و نخل‌ها و آدم‌ها اتفاق افتاده و در انتقال حس مؤثر بوده است. در بسیاری از دیالوگ‌ها هم ما بیشتر شاهد دادن اطلاعات بودیم و دیالوگ‌ها کارکردی جز این نداشته‌اند. این عنصر در دهه‌ها و سال‌های مختلف نیز دارای نشیب و فراز خاصی نبوده است.

لحن در اکثر داستان‌های مورد مطالعه غمگین و آرام است. در بعضی آثار با لحن حماسی و یا چند لحن در داستان مواجهیم؛ اما یکی از این لحن‌ها حتماً غمگین است. این لحن غمگین در اوایل ناامید هم هست؛ مانند داستان آخرین نگاه از پل خرمشهر؛ اما در داستان‌های اخیر، غم و امید در کنار یکدیگرند.

تنوع مضمون نسبت به عناصر دیگر در داستان‌های مورد پژوهش بیشتر بود؛ اما مضمون مظلومیت و پایداری مردم، مضمون غالب‌تر است. توجه به امور معنوی همچون ایمان و امید (داستان در جستجوی من) و شهادت (نخل‌ها و آدم‌ها) و عوض شدن انسان‌ها در جنگ (زنی بر بام، عطر عربی فردوس) از دیگر مضامین این داستان‌هاست.

موضوع در بیشتر داستان‌ها راجع به اشغال خرمشهر است. از سیزده داستان، نه داستان فقط به اشغال، سه داستان به اشغال و

فتح (نخل‌های بی‌سر، در جستجوی من و نخل‌ها و آدم‌ها) و تنها یک داستان درباره فتح خرمشهر است (بچه‌های کارون). به نظر می‌رسد اشغال خرمشهر و مقاومت مظلومانه مردم، در نظر نویسندگان حادثه پرچالش‌تر و متأثرکننده‌تری نسبت به فتح آن بوده است.

در بررسی سبک‌شناسی و در مطالعه ادبی، کلمات و اصطلاحات جنگی و سپس محلی و پزشکی بیشترین فراوانی را داشته‌اند. هرچه از سال‌های جنگ دورتر می‌شویم، تنوع جملات و اصطلاحات کمتر شده و فقط اصطلاحات جنگی است که هم‌چنان کاربرد دارد.

از نظر کاربرد آرایه‌های ادبی نیز، آرایه تشبیه و سپس تشخیص و تکرار، بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند و هرچه به سال‌های اخیر نزدیک می‌شویم، تنوع کاربرد آرایه‌ها نیز کمتر می‌شود. شاید بتوان گفت سیر نزولی استفاده از آرایه‌ها در این متون، متأثر از میزان علاقه مخاطب امروز در دریافت سریع‌تر مطلب و تمایل نویسندگان به ساده‌نویسی باشد.

بیشترین توصیف‌ها در این داستان‌ها در اوایل، توصیف مکان‌ها و اشخاص است و در سال‌های اخیر توصیف مکان و حالات، بیشترین کاربرد را دارند. این شاید به علت تمایل نویسنده‌ها به شخصیت‌پردازی غیرمستقیم شخصیت‌ها باشد.

همچنین، نویسندگان در همه سال‌ها از انواع جملات (کوتاه، بلند، رسمی، محاوره‌ای و...) برای انتقال احساس و اطلاعات خویش بهره برده‌اند و روند خاصی از این نظر مشاهده نمی‌شود.

نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که داستان‌ها در سال‌های نزدیک به جنگ، از نظر ویژگی‌های فکری به موضوعاتی همچون وطن‌دوستی، نقش مذهب و حسرت گذشته‌ها بیشتر توجه داشته و در سال‌های اخیر، توجه به وجوهی مانند وطن‌دوستی، زنده نگاه داشتن یاد شهدا و آدم‌های که در جنگ ساخته شده‌اند پررنگ‌تر شده است.

در کل، نوع نگاه نویسندگان بومی نسبت به شهرشان با شیفتگی و حسرت بیشتری همراه بوده است.

از نظر داستانی، دو داستان کوتاه *عطر عربی فردوس* و *زنی بر بام*، و از منظر تاریخی داستان‌های *آخرین نگاه از پل خرمشهر*، *نخل‌های بی‌سر و نخل‌ها و آدم‌ها* داستان‌های شاخص این پژوهش هستند.

## ۲-۲. سندشناسی تاریخی

همان‌گونه که می‌دانیم، وقایع و حوادث داستان‌ها توسط شخصیت‌ها، در مکان یا مکان‌هایی رخ می‌دهند. حال اگر این داستان‌ها درباره یک واقعه تاریخی نوشته شده باشند، نویسنده‌ها برای واقعی‌نمایندن داستان خود ناچار به استفاده از اشخاص، مکان‌ها و وقایعی هستند که وجود تاریخی یا جغرافیایی داشته باشد؛ داستان‌های خرمشهر هم از این قاعده مستثنا نیستند.

لازم به ذکر است که هدف از انطباق با واقعیت‌های تاریخی، انطباق کامل داستان با تاریخ نیست. از آنجاکه داستان بازگویی خشک تاریخ نیست، نمی‌توان و نباید منکر این قضیه شد که بسیاری از شخصیت‌ها و وقایع این داستان‌ها ساخته ذهن نویسنده‌ها باشند؛ بلکه هدف از این قسمت تطابق و راست‌آزمایی اشخاص، مکان‌ها و وقایعی واقعی است که در این داستان‌ها با مشخصاتی خاص از آن‌ها یاد شده و شایسته بررسی و تحقیق از نظر تاریخی بودند.

در نتایج بررسی‌های سندشناسی تاریخی، از ۳۴ شخصیت، ۲۴؛ از ۴۷ مکان، ۴۲؛ و از ۱۳ واقعه ۱۱ مورد مربوط به خرمشهر، مورد شناسایی و تأیید قرار گرفتند.

در این پژوهش فقط به اعلام مربوط به خرمشهر پرداخته شده است.

#### ۱-۲-۲. سندشناسی شخصیت‌ها

در داستان‌های خرمشهر با سه گروه از اشخاص مواجه بودیم؛ یک دسته از اشخاص فقط با نام کوچک، دسته دیگر فقط با نام خانوادگی و گروه سوم نیز با نام و نام خانوادگی از آن‌ها یاد شده بود.

افرادی که فقط با نام معرفی شده بودند محدود و آنقدر شناخته شده بودند که بتوان به نام و نام خانوادگی کامل و سایر مشخصاتشان راحت‌تر دسترسی پیدا کرد. افرادی مانند شیخ شریف، شهناز (حاجی شاه) و... .

تعدادی هم که فقط با نام خانوادگی معرفی شده بودند، با توجه به زمان وقوع داستان و با حذف موارد مشابه و همراهی آن‌ها با نشانه‌هایی دیگر، به شخصیت اصلی دسترسی پیدا می‌شد. مانند شخصیت آلبوغبیش که به علت همراهی او با شیخ شریف به اطلاعات این شخص دسترسی پیدا شد و یا شهید اقبال پور که به عنوان اولین شهدای جنگ، کاملاً برای مدافعان شناخته شده بود.

دسته دوم که با نام و نام خانوادگی معرفی شده بودند به اطلاعات بعضی اشخاص به راحتی می‌شد دسترسی پیدا کرد، مانند شهید جمشید برون؛ اما مشکلی که در این میان به وجود آمد، این بود که نام خانوادگی ذکر شده بعضی اشخاص، در داستان‌ها به طور کامل ذکر نشده و در سایت بنیاد شهید برای شناسایی و دسترسی به اطلاعات سجلی این افراد، نیاز به نام کامل شخص مورد نظر بود، که شخص مورد نظر را با توجه به زمان شهادت یا دیگر اطلاعات که در محدوده اشغال و فتح خرمشهر بوده و یا اطلاعات هم‌زمان فرد مورد نظر، این شخصیت از بقیه شهدا یا دیگر اشخاص که نام خانوادگی نزدیکی با شهید مورد نظر داشتند، تمییز داده می‌شد؛ مانند شهید بهنام محمدی که نام خانوادگی کاملشان بهنام محمدی راد است یا می‌توان به شخصیت عبدالرضا خفاجی اشاره کرد که داستان بچه‌های کارون به او تقدیم شده و این کتاب به نوعی درباره داستان زندگی او بود. از این شخصیت در سایت بنیاد شهید مشخصاتی ثبت نشده بود و مدافعین نیز چنین شخصیتی را به یاد نداشتند.

مشکل دیگری که در این مورد با آن مواجه بودیم، دستیابی به اطلاعات افرادی بود که در قید حیات بوده و نامی از ایشان نیز در سایت بنیاد شهید، به عنوان شهید، آزاده و یا جانباز ثبت نگردیده بود (سایت بنیاد شهید دارای اطلاعاتی است که در دسترس عموم نیست و علاوه بر مشخصات شهدا، اطلاعات آزادگان و جانبازان نیز در آن درج شده است و صرفاً با نامه‌نگاری دانشگاه و به صورت حضوری این اطلاعات به دانشجو ارائه گردید)؛ مانند جاسم غضبان که نام کامل ایشان جاسم غضبان پور است و با وجود جانباز شیمیایی بودن، کارت جانبازی ندارد. این مشکل با پیگیری‌های فراوان و همچنین هم‌کاری‌های بی‌دریغ رزمندگان و مدافعین شهر و جست‌وجو در سایت‌ها مرتفع گردید.

مسئله دیگری که تطابق با شهید یا شخص مورد نظر را مشکل و نگارنده را با تردید مواجه می‌کرد، ثبت اطلاعات غلط درباره فرد مورد نظر در داستان بود؛ مانند شهید رضا دشتی با نام کامل محمدرضا دشتی زاده که زمان شهادت حقیقی ایشان با زمان شهادتشان در داستان متفاوت است.

به عنوان نمونه، برای چگونگی پرداخت و تحلیل شخصیت‌ها به زندگی احمد شوش و جمشید برون می‌پردازیم.

«احمد شوش فرزند عبدالکریم در ۲۸ مهر ۱۳۳۵، شب شهادت پیامبر، در خرمشهر دیده به جهان گشود» (پایگاه

اطلاع‌رسانی بنیاد شهید و امور ایثارگران). تحصیلات خود را تا سال چهارم دبیرستان پی گرفت و پس از آن به دلیل فقر اقتصادی خانواده، به کار پرداخت. چندی بعد به سربازی رفت و با صدور فرمان امام خمینی مبنی بر ترک پادگان‌ها، از محل خدمت خود گریخت و به جمع مبارزین پیوست. او به همراه چند تن از دوستان خود، با ساخت یک دستگاه تکثیر ساده، به چاپ و توزیع اعلامیه‌ها می‌پرداخت و در روزهای پرتلاطم انقلاب، در تصرف شهربانی و دژبانی رژیم شاهنشاهی در شهر خرمشهر مشارکت نمود (نک: بایگانی بسیج خرمشهر).

پس از پیروزی انقلاب و تشکیل کمیته، مسئولیت این نهاد در خرمشهر و پس از آن مسئولیت جهاد سازندگی خرمشهر را برعهده گرفت. چندی بعد در غائله خلق عرب مورد سوء قصد قرار گرفت و به دلیل شدت جراحت وارده به پا، به کشور آلمان اعزام گردید و پس از انجام معالجات به سوریه و لبنان رفته و در تشکیلات نظامی فلسطینی‌ها (الفتح) به یادگیری فنون نظامی پرداخت و با نام ابوشاب، در چند عملیات تخریب همراه فلسطینی‌ها شرکت کرد (نک: بایگانی بسیج خرمشهر؛ ابوالحسنی، ۱۳۸۵: ۴). «در دوره مقاومت، او و هم‌دوره‌ای‌های دوره چریکی لبنان که به درخواست او از رودسر آمده بودند، بهتر از بقیه نیروهای غیرنظامی می‌جنگیدند» (حبیبی، ۱۳۸۰: ۵۱؛ ابوالحسنی، ۱۳۸۵: ۱۳؛ شیرعلی‌نیا و زاهدی، ۱۳۸۸: ۶۹؛ اعظم حسینی، ۱۳۸۸: ۴۹۲). «سرانجام، احمد شوش در روز ۸ مهرماه سال ۱۳۵۹ در جریان یک عملیات شناسایی همراه با نیروهای ارتش، در نزدیکی پل نو در خرمشهر به شهادت رسید» (بایگانی بسیج خرمشهر).

در داستان آخرین نگاه از پل خرمشهر (مؤذن، ۱۳۶۰: ۳۷)، از فداکاری این شخصیت یاد شده، اما خصوصیت لات‌بودن را هم برای این شهید ذکر می‌کند که با توجه به مصاحبه خواهر این شهید با نشریه الکترونیکی گیلان که می‌گوید «احمد وقتی می‌دید یک جوانی شر و خلافکار است، ولش نمی‌کرد. می‌رفت با او دوست می‌شد. همه می‌گفتند احمد لاته، چون با آن‌ها نشست و برخاست می‌کند. احمد لات نبود. به خدا همان‌ها آمدند در جنگ پابه‌پایش ایستادند. همان‌ها باخدا شدند، نمازخوان شدند» (اقدامی، ۱۳۸۹) و همچنین مصاحبه با هم‌زمان این شهید، صحت مطالب نسبت داده شده تأیید نمی‌شود. در داستان نخل‌های بی‌سر (فراست، ۱۳۹۲: ۷۹ تا ۸۱) به شیخون‌زدن به دشمن، شهادت و انتقال جنازه ایشان به پشت جبهه پرداخته شده است.

«جمشید برون، فرزند قلی، در ۳۱ شهریور ۱۳۴۱ در شهرستان آبادان به دنیا آمد» (بایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد شهید و امور ایثارگران). او قبل از انقلاب در آبادان در زمینه جمع‌آوری و توزیع اعلامیه‌های امام فعالیت داشت و با خدمت به روستاییان، آن‌ها را با اهداف انقلاب آشنا می‌کرد. مسئولین تظاهرات که کارآمدی ایشان را دیدند، او را به گروه‌های انقلابی خرمشهر متصل کردند (نک: بایگانی بسیج خرمشهر). «جمشید برون در زمان حمله عراق به ایران، از اعضای گروه رضا دشتی و از معدود بازماندگان آن‌ها پس از اشغال خرمشهر بود» (برون، ۱۳۹۱). وی در جریان فتح خرمشهر به اطلاعات و شناسایی دشمن پرداخت و در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس، در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۱، با اصابت آرمی جی هنگام حمله شبانه دشمن به شهادت رسید (نک: مردانه، ۱۳۹۳؛ بایگانی بسیج خرمشهر) و در گلزار شهدای اهواز دفن گردید. «شهید برون اولین نوحه‌خوان سپاه خرمشهر نیز بوده است» (مکری‌نژاد، ۱۳۹۴؛ اعظم حسینی، ۱۳۸۸: ۷۰۶).

در رمان نخل‌های بی‌سر (فراست، ۱۳۹۲: ۲۰۰) به نوحه‌خوان‌بودن جمشید برون اشاره شده است. در صفحه ۲۰۷ این کتاب نیز، به نوشتن محل شهادت او روی یکی از دیوارهای کوت شیخ اشاره می‌شود؛ در حالی که همان‌طور که ذکر شد، این شهید در عملیات بازپس‌گیری شهر به شهادت رسیده است. زمان یادشده در داستان، در محدوده زمانی عملیات بیت‌المقدس نیست.



### ۲-۲-۲. سندشناسی مکان‌ها

شناخت پیشینه مکان‌های مختلف شهری و غیرشهری شهرستان خرمشهر، به دلیل وقوع جنگ و از بین رفتن آرشیو و بایگانی نهادهای مرتبط، به سختی ممکن شد و به ناچار مجبور به استفاده از حافظه و اطلاعات ساکنین، مدافعین شهر و بروشورهای راهنمای مناطق عملیاتی و راهیان نور شدیم. برای نمونه، دو مکان بانک صادرات و پل نو در این مقاله آورده می‌شوند.

بانک صادرات، قبل از جنگ، در خرمشهر دارای یک شعبه مرکزی و چهار شعبه دیگر در مناطق مختلف خرمشهر بود. در داستان ضیافت به صرف گلوله (قیصری، ۱۳۸۰: ۸۸) از این مکان به صورتی که در زیرزمین آن مجروح نگه داشته می‌شده یاد شده؛ اما در خرمشهر به دلیل شرایط خاص محیطی (بالا بودن آب تحت‌الارض)، احداث زیرزمین مرسوم نبوده و تقریباً غیرممکن است. البته بنا به گفته اهالی و مدافعین خرمشهر، تنها یک بانک در شهر، آن هم بانک ملی شعبه مرکزی، با شرایط خاصی زیرزمینی به عنوان خزانه را دارا بود. همچنین در دوران مقاومت، در هیچ بانکی هم مجروح نگهداری نمی‌کرده‌اند (نک: مغنیمی و مکرری‌نژاد، ۱۳۹۴).

پل نو در سال ۱۳۰۵ ش روی نهر عرایض در غرب خرمشهر و در مسیر جاده شلمچه احداث شده است. طول پل ۵۸ متر و عرض آن ۷ متر است (نک: حبیبی، ۱۳۸۰: ۱۷). «ارتش عراق در آغاز هجوم سراسری، سه‌روزه به نهر عرایض رسید؛ لیکن برای عبور از پل نو چندین روز جنگید. پس از عبور از آن نیز چند بار پیش‌روی کرد و عقب رانده شد، تا اینکه از ۱۳۵۹/۷/۱۶، دستیابی مدافعان خرمشهر به پل نو غیرممکن شد» (بروشور نقشه سیاحتی مناطق جنگی خوزستان). در حال حاضر پل جدیدی جای این پل احداث شده که مسیر ترانزیت کالا به مرز عراق از طریق شلمچه است.

در داستان نخل‌های بی‌سر (فراست، ۱۳۹۲: ۳۸ تا ۶۶) از قرار داشتن پل نو در منطقه شلمچه و نفوذ عراقی‌ها و دفاع نیروهای خودی، و در رمان نخل‌ها و آدم‌ها (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۳۶) به اعزام نیرو به پل نو در اوایل هجوم عراق، و در مجموعه داستان دختران خرمشهر، در داستان «عاشقانه‌ای کنار کارون» (دهقانی، ۱۳۸۷: ۱۱) به سقوط پل نو بعد از ۳۳ روز و در پایان دوره مقاومت اشاره می‌کند که همان‌طور که گفته شد، پل نو بعد از حدود ۱۷ روز پس از تهاجم، سقوط کرده است و پلی که نیروهای ایرانی در روز سقوط خرمشهر از آن عقب‌نشینی کردند، در واقع پل بزرگ خرمشهر است.

### ۲-۲-۳. سندشناسی وقایع

وقایع رخ داده در این داستان‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول وقایعی که در مدت‌زمان هجوم تا سقوط خرمشهر، دسته دوم وقایعی که در مدت اشغال خرمشهر و دسته سوم حوادثی هستند که در زمان آزادسازی شهر اتفاق افتاده‌اند. در این مقاله به دو واقعه محور هجوم به خرمشهر و نیروها و واحدهای عمل‌کننده در عملیات بیت‌المقدس پرداخته می‌شود.

محور هجوم به خرمشهر: «نیروهای عراق جهت تصرف خرمشهر با دوازده لشکر، در سه جبهه به آن حمله کرد: جبهه شمالی (پلیس راه)، جبهه مرکزی (دوربند) و جبهه غربی (محور بندر)» (انصاری، درودیان و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۵۳؛ اخلاقی، ۱۳۹۱: ۱۲۹). در داستان ضیافت به صرف گلوله (قیصری، ۱۳۸۰: ۶۶) به هجوم عراق از محور شمالی شهر پرداخته شده است.

نیروها و واحدهای عمل‌کننده در عملیات بیت‌المقدس: «عملیات بیت‌المقدس توسط ۳ قرارگاه عملیاتی قدس، فتح و نصر شامل لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی و ۲۱ پیاده و تیپ‌های ۵۵ هوابرد، ۵۸ ذوالفقار، ۳۷ زرهی، ۲۳ نوه و تیپ ۳ پیاده لشکر ۷۷ از ارتش و تیپ‌های بیت‌المقدس، ۲۷ محمد رسول‌الله، ۷ ولی‌عصر، ۳۰ زرهی، ۸ نجف اشرف، ۳۱ عاشورا، ۱۴ امام حسین،

۳۷ نور، ۲۱ امام‌رضا، ۴۱ ثارالله، ۲۲ بدر، ۴۶ فجر و ۲۵ کربلا از سپاه صورت گرفت» (عملیات بیت المقدس، ۱۳۸۷؛ ۱۲؛ شیرعلی‌نیا و زاهدی، ۱۳۸۸: ۸۱). در داستان *نخل‌ها و آدم‌ها* (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۴۶۶) دربارهٔ به‌عقب‌راندن دشمن تا مرز توسط بچه‌های تیپ بعثت به همراه سایر نیروها سخن رفته است که با توجه به مطالب ذکر شده، درستی چنین گفته‌ای تأیید نمی‌شود.

### ۳. نتیجه‌گیری

نتایج بررسی پیرنگ از سیزده داستان خرمشهر نشان داد که پیرنگ در اکثر داستان‌ها ضعیف بوده و این عنصر در دهه‌های مختلف فرازونشیب چندانی نداشته و از پیرنگ ضعیف در دهه‌های اول، کمی به پیرنگ متوسط (زنی بر بام و بچه‌های کارون) در سال‌های اخیر متمایل شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر داستان‌ها از نظر حقیقت‌مانندی مشکلی ندارند؛ هرچند که در بعضی داستان‌ها حوادث فرعی غیرقابل‌باوری رخ داده است (مانند داستان *در جستجوی من* و داستان *عشق و خون در خرمشهر*) از مجموعه داستان *دختران خرمشهر*). تنوع زاویه دید در سال‌های اخیر بیشتر شده است و نویسندگان از زاویه دید دانای کل (*آخرین نگاه از پل خرمشهر و نخل‌های بی‌سر*) به زاویه دید من‌روایتی (*دختران خرمشهر و بچه‌های کارون*) برای ایجاد همذات‌پنداری، بیشتر تمایل نشان داده‌اند. در حیطه شخصیت‌پردازی هرچه به سال‌های اخیر نزدیک می‌شویم، نویسندگان سعی در پرداخت غیرمستقیم شخصیت‌ها داشته‌اند (*زنی بر بام و بچه‌های کارون*).

باینکه تنوع فضاسازی در سال‌های اخیر قابل مشاهده است، اما غلبه با فضاسازی‌های غمگین است. به این عنصر در تمام این سال‌ها به صورت تقریباً یکنواختی توجه شده است. باینکه تنوع فضاسازی در سال‌های اخیر قابل مشاهده است، اما غلبه با فضاسازی‌های غمگین است. داستان‌هایی که از لهجه خاص مناطق جنگ‌زده در آن‌ها استفاده شده است، در فضاسازی و باورپذیری موفق‌تر بوده‌اند (*نخل‌های بی‌سر و نخل‌ها و آدم‌ها*). لحن در بیشتر داستان‌های مورد مطالعه غمگین و آرام است و در سال‌های اخیر امیدواری با غم همراه شده است. با توجه به تنوع مضمون در داستان‌ها، مضمون مظلومیت و پایداری مردم مضمون غالب است. موضوع در بیشتر داستان‌ها راجع به اشغال خرمشهر است. به نظر می‌رسد اشغال خرمشهر در نظر نویسندگان حادثهٔ پرچالش‌تری نسبت به فتح آن بوده است.

در بررسی سبک‌شناسی و ادبی، از کلمات و اصطلاحاتی که در داستان‌ها به کار برده شده، اصطلاحات جنگی و سپس محلی و پزشکی بیشترین فراوانی را داشته‌اند و در سال‌های اخیر، فقط اصطلاحات جنگی است که همچنان کاربرد دارد. از نظر کاربرد آرایه‌های ادبی، هرچه به سال‌های اخیر نزدیک می‌شویم، سیر نزولی تنوع کاربرد آرایه‌ها را شاهد هستیم. به دلیل تمایل نویسنده‌ها به شخصیت‌پردازی غیرمستقیم، توصیف مکان و حالات بیشترین کاربرد را در سال‌های اخیر دارند. همچنین روند خاصی در استفاده از انواع جملات (کوتاه، بلند، رسمی، محاوره‌ای و...) که نویسندگان برای انتقال احساسات خود به کار برده‌اند، مشاهده نمی‌شود.

نتایج بررسی‌های سندشناسی تاریخی بیانگر این موضوع است که نویسندگان از نام مکان‌های بیشتری برای مستندسازی داستان خویش استفاده کرده‌اند. از نظر درصدی نیز تأیید مکان‌های نام‌برده شده نسبت به وقایع و اشخاص بیشتر بوده است. هرچند تعداد وقایع نام‌برده شده بسیار کمتر از اشخاص بوده است، اما درصد بیشتری از وقایع صحت داشته‌اند.

بیشترین درصد تأیید صحت اعلام تاریخی در دو داستان *در جستجوی من* و *جنگی که بود به میزان ۱۰۰ درصد* و بیشترین عدم تأیید در داستان *بچه‌های کارون* با ۵۵.۵ درصد میزان خطاست. بیشترین استفاده از نام اشخاص در داستان *نخل‌های*

بی‌سراسر است که از ۲۶ شخصیت نام برده. همچنین، بیشترین سندیت مکان با ۲۱ مورد نیز در این داستان است. بیشترین اشاره به وقایع در داستان *نخل‌ها و آدم‌هاست* که از شش واقعه یاد شده است. کمترین سندیت اشخاص در داستان *عطر عربی فردوس*، *زنی بر بام* و مجموعه داستان *دختران خرمشهر* است که از شخص خاصی نام نبرده‌اند. کمترین اشارات به مکان‌ها (هرچند در همه داستان‌ها از مکانی نام برده شده است) در داستان *زنی بر بام* و *دختران خرمشهر* (هر کدام ۳ مکان) است. کمترین اشاره به وقایع نیز در داستان *زنی بر بام* و داستان *جنگی* که بود است که از هیچ واقعه‌ای نام نبرده‌اند.

نتایج نشان می‌دهد که بیشترین استناد به اعلام خرمشهر در دو داستان اول، یعنی داستان‌هایی که در دوران قبل از جنگ نوشته‌اند، بوده است؛ به طوری که در دو داستان *آخرین نگاه از پل خرمشهر* و *نخل‌های بی‌سر*، جمعاً از ۷۱ استناد و در هشت داستان و مجموعه داستان دیگر، از ۷۹ استناد بهره برده‌اند و این بدان معناست که در سال‌هایی که جنگ در جریان بوده، تمایل بیشتری به ضبط و ثبت شخصیت‌ها و دیگر اعلام وجود داشته و در سال‌های اخیر، این تمایل به شدت رو به کاهش دارد. بیشترین استنادهای تاریخی در شخصیت‌ها، بنی‌صدر در پنج داستان؛ از مکان‌ها، مسجد جامع در نه داستان؛ و از وقایع، مدت دوره مقاومت در سه داستان بوده است.

### فهرست منابع

۱. ابوالحسنی، م. (۱۳۸۵). *اشغال؛ تصویر سیزدهم*. ج ۲. تهران: روایت فتح.
۲. اخلاقی، ع. (۱۳۹۱). *سرزمین محبوب من*. ج ۱. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۳. اقدامی، س. (۱۳۸۹). *از شوش خرمشهر تا شوش رودسر*. نشریه الکترونیکی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس گیلان. ۲۰ شهریور ۱۳۹۳. دسترسی در: [www.Ravayate8.Blogfa.Com](http://www.Ravayate8.Blogfa.Com).
۴. اکبری شلدراهی، ف. (۱۳۸۲). *درآمدی بر ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی*. ج ۱. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. امیری خراسانی. (۱۳۸۹). *مؤلفه‌های پایداری در سیمای شخصیت‌های رمان دفاع مقدس*. *دوفصلنامه ادبیات پایداری*، (۲)، ۳۶-۳۱.
۶. ----- (۱۳۸۷). *نامه پایداری*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. ۱ (مقدمه).
۷. انصاری، م. و همکاران. (۱۳۸۶). *خرمشهر در جنگ طولانی*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۸. بارونیان، ح. (۱۳۸۷). *شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس*. ج ۱. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۹. برون، م. (۱۳۹۱). *معرفی سردار شهید جمشید برون، شهید مداح خوزستان*. ۵ آبان ۱۳۹۴. دسترسی در: [www.Jboroon.Blogfa.Com](http://www.Jboroon.Blogfa.Com).
۱۰. بهمن، ک. (۱۳۸۵). *جنگی که بود*. ج ۲ (ویراست دوم). تهران: صریح.
۱۱. پارسی‌نژاد، ک. (۱۳۸۲). *دی و بهمن*. رسالت واقعی رمان تاریخی. *ماهنامه ادبیات داستانی*، ۱۱ (۷۶-۷۵)، ۴۸-۵۱.
۱۲. ----- (۱۳۸۹). *داستان جنگ به روایت دیگر*. *مقوله‌ها و مقاله‌ها*. ج ۲. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۹۳-۱۲۵.

۱۳. پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد شهید و امور ایثارگران. تارنمای تخصصی. ۱۱ و ۱۲ خرداد ۱۳۹۴. دسترسی در: [www.Isaar.Ir](http://www.Isaar.Ir).
۱۴. جانقلی، م. (۱۳۷۸). در جستجوی من. ج ۱. تهران: دفتر هنر و ادبیات ایثار.
۱۵. جزینی، م. (۱۳۹۱). بیابید خرمشهر را دوباره بخوانیم. جام‌جم آن‌لاین. ۴ مرداد ۱۳۹۳. دسترسی در: [press.jamejamonline.ir](http://press.jamejamonline.ir)
۱۶. حبیبی، ا. (۱۳۸۰). خرمشهر در جنگ. ج ۱. ج ۲. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۱۷. حسینی، ا. (۱۳۸۸). دا (خاطرات سیده‌زهره حسینی). ج ۳۶. تهران: سوره مهر.
۱۸. خرامان، م. (۱۳۹۰). واقع‌نمایی در ادبیات پایداری؛ چهارده مقاله درباره‌ی داستان کوتاه. ج ۱. تهران: صریر، ۳۱۱-۲۹۹.
۱۹. دهقان، ا. (۱۳۹۲). بچه‌های کارون. ج ۱. تهران: سوره مهر.
۲۰. دهقانی، ا. (۱۳۸۷). دختران خرمشهر. ج ۱. تهران: مجنون.
۲۱. رهگذر، ر. (۱۳۷۰). نیم‌نگاهی به هشت سال قصه جنگ. ج ۱. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
۲۲. سلیمانی، ن. (۱۳۹۱). نخل‌ها و آدم‌ها. ج ۳. تهران: سپاه پاسداران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲۳. شیرعلی‌نیا، ج. (۱۳۹۲). دایرة‌المعارف مصور تاریخ جنگ. ج ۲. تهران: سایان.
۲۴. شیرعلی‌نیا، ج. و زاهدی، س. (۱۳۸۸). قلب مقاومت؛ روایت خرمشهر. ج ۲. تهران: فاتحان.
۲۵. عملیات بیت‌المقدس (آزادی خرمشهر). (۱۳۸۷). نویسنده ناشناخته. ج ۴. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲۶. فراست، ق. (۱۳۹۲). نخل‌های بی‌سر. ج ۲. تهران: صریر، امیرکبیر (کتاب‌های سیم‌رخ).
۲۷. فیاض‌منش، ف. (۱۳۷۹). شخصیت و شخصیت‌پردازی در هشت رمان جنگ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، تهران:
۲۸. قیصری، م. (۱۳۸۰). ضیافت به صرف گلوله. ج ۱. تهران: سوره مهر.
۲۹. ----- (۱۳۸۸). «عطر عربی فردوس»، از مجموعه داستان سه دختر گل‌فروش. ج ۵. تهران: سوره مهر.
۳۰. گرچی، م. (۱۳۹۰). بررسی عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان‌های دفاع مقدس با توجه به عنصر نام‌شناسی. چهارده مقاله درباره‌ی داستان کوتاه. پنجمین جشنواره‌ی یوسف. تهران: صریر. ج ۱. ۲۴۱-۲۱۹.
۳۱. محمدی، م. (۱۳۹۰). زنی بر بام. از داستان‌های برگزیده پنجمین جشنواره‌ی داستان کوتاه دفاع مقدس: جایزه ادبی یوسف. ج ۱. تهران: صریر.
۳۲. مردانه، م. (۱۳۹۳). جمشید برون. ۶ مهر ۱۳۹۴. دسترسی در: [www.kanoonashrafi.persianBlogfa.Ir](http://www.kanoonashrafi.persianBlogfa.Ir).
۳۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. بی‌تا. [بروشور]. نقشه‌ی سیاحتی مناطق جنگی خوزستان.
۳۴. مغنیمی، م. (۱۳۹۴). خرمشهر: مصاحبه‌نگارنده. (خرداد ۱۳۹۴).
۳۵. مکرری‌نژاد، ا. (۱۳۹۴). خرمشهر: مصاحبه‌نگارنده. (خرداد تا مرداد ۱۳۹۴).
۳۶. مؤذن، ن. (۱۳۶۰). آخرین نگاه از پل خرمشهر. ج ۱. تهران: جهان‌سو. یادداشت‌ها، زندگی‌نامه‌ها، بروشورها و مصاحبه با خانواده‌های شهدا. موجود در بایگانی بسیج خواهران خرمشهر (پرونده‌های شهدا).